

زنان و خانواده

لژین تروتسکی
ترجمه منزه نجم عراقی



کتابخانه ملی و اسناد

Trotsky, Leon

سرشناسه: تروتسکی، لئون، ۱۸۷۹ - ۱۹۴۰م

عنوان و نام پدیدآور: زنان و خانواده / لئون تروتسکی ترجمه ییژه نجم عراقی

مشخصات نشر: شرکت انتشارات لحظه، تهران: ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۹۴ ص

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۲۹۰۰ ۰۸ ۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: زنان - خانواده - روسیه شوروی - وضع اجتماعی

شناسه ی افزوده: نجم عراقی، میژه

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

۱۱۵۴HQ/۴۷۹:۱۳۹۴

۳۰۱/۴۱۲۰۹۴۷

۴۱۲۵۳۵

Leon Trotsky
Women and the Family
twelfth printing, 2011 pathfinder



زنان و خانواده

لئون تروتسکی

ترجمه: میزه نجم عراقی

ویراستار: سعید امیدوار

چاپ: دوستان

چاپ اول: ۱۳۹۶، ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۵۷۸-۹۶۴-۲۹۰۰-۰۸-۴

مرکز پخش: دوستان، تلفن: ۶۶۴۰ ۱۸۷

قیمت: دوازده هزار تومان

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار شرکت انتشارات لحظه محفوظ شد.
این کتاب با رعایت حق کپی رایت از انتشارات پت فایندر به چاپ رسیده است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله کپی، الکترونیکی،
ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان ایران قرار دارد.



انتشارات لحظه

شرکت انتشارات لحظه، تلفن: ۶۶۰۴۰۷۲۸، ۰۹۰۱۴۷۵۰۷۰۹

www.lahze-pub.com



۷	گفتار ناشر
۹	پیش‌گفتار
۲۵	از خانواده‌ی دیرین تا خانواده‌ی نو
۳۷	جشن و راه‌پیمایی زنان کارگر در مسکو
۴۱	محافظت از مادر و مبارزه برای فرهنگ
۵۷	ساختن سوسیالیسم یعنی رهایی زنان و حمایت از آنان
۶۳	مناسبات خانوادگی در شوروی
۷۷	ترمیدور در خانواده

گفتار ناشر

بر این باور هستیم که با نشر آثار نام‌آوران فرهنگی، می‌توان نسل پویا و جوان‌مان را با دانش گذشته آشنا و با کول‌باری غنی، بی‌دغدغه، به آینده‌یی روشن رهنمون کنیم.

... و با این اندیشه بود که بر آن شدیم تا کتاب "زن و خانواده" اثر ارزش‌مند لئون تروتسکی را ترجمه و ارایه کنیم.

این گام، جز با همراهی مترجم خوب و زرگ‌مان، خانم منیژه نجم‌عراقی میسر نمی‌شد و سپاس‌گوی ایشان هستیم که در ترجمه‌ی این اثر، نهایت دقت را انجام دادند؛ همچنین ر. همراه خوب‌مان، خانم نخستین و آقای روکانتن برای مطابقت متن و نیز از آقای امیدوار که مانند همیشه، با دقت و سخت‌کوشی بی‌مانندشان در ویرایش و مطابقت متن، انتشارات لحظه را یاری رساندند، سپاس داریم.

در انتها، سپاس ویژه‌ی خودمان را از انتشارات پاشا و از آقای صیرفی، ادیتور محترم آن نشر که با نظرها و پیشنهادهایشان بر پرباری این برگردان افزودند، اعلام می‌داریم.

هماره پویا و پرنشاط باشید

مدیر مسوول انتشارات لحظه

توران گل نژاد

پیش گفتار

انقلاب روسیه را زنان آغاز کردند. روز جهانی زن در سال ۱۹۱۷، (۸ مارس در تقویم مدرنی) زنان کارگر نساجی در پتروگراد دست به اعتصاب زدند و کارگران دیگر نیز به حمایت فراخواندند. خواسته‌های این زنان معقول بود - برای نان، بر ضد اسلداد و بر ضد جنگ - اما این اعتصاب مقدمه‌ی انقلابی شد که نخست به سقوط تزار و سپس به سقوط طبقه‌ی سرمایه‌دار انجامید.

انقلاب بهبود زیادی در زندگی زنان پدید آورد که از مظلوم‌ترین و ستم‌دیده‌ترین گروه‌های روسیه‌ی تزاری به عدلی ملی شدن صنعت و برنامه‌ریزی متمرکز، زمینه را برای صنعتی شدن فراهم ساخت که سود آن به همه‌ی مردم رسید. اما، چنان‌که کیت میلِت در کتاب سیاست جنسی یادآور می‌شود، چندی پس از انقلاب، سیاست‌های پیشرو اولیه‌ی حکومت شوروی در مسیر آزادی زنان، کم‌وبیش یکسره زیر و رو شدند. او می‌نویسد:

مدام از سر و ته آزادی‌های بنیادین اولیه در زمینه‌ی ازدواج، طلاق، سقط جنین، بچه‌داری، و خانواده زدند و ارتجاع چنان بهره‌ای برد که با فرارسیدن سال ۱۹۲۳، تحصیل مختلط در شوروی برافتاد. انقلاب جنسی به پایان رسید و ضدانقلاب پیروز شد. در دهه‌های بعد، محافظه‌کاران در جاهای دیگر با شادمانی به تجربه‌ی شوروی هم‌چون درسی درباره‌ی بی‌هودگی تغییر اشاره می‌کردند.^۱

۱. کیت میلِت، سیاست جنسی، نیویورک: دابل دی، ۱۹۷۰، صفحه‌ی ۱۷۶

این واقعیت که در شوروی یا دیگر کشورهایی که انقلاب‌های سوسیالیستی داشته‌اند، زنان به آزادی کامل نرسیده‌اند، پرسشی بدیهی را به میان می‌کشد: آیا سوسیالیسم راه رسیدن به آزادی زنان است؟ خواسته‌های اساسی جنبش آزادی‌بخش زنان، با نشر این آرمان که وظایف خانواده - بچه‌داری، پخت‌وپز، شست‌وشو، نظافت، مراقبت بهداشتی و غیره - باید اجتماعی شوند، یعنی رایگان به همه عرضه شوند، بی‌تردید با سمت‌وسوی سوسیالیسم سازگاری دارد. و با وجود این، به قول کیت میل، در اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از ره‌آوردهای اولیه انقلاب برای زنان درنهایت از کف رفتند. خانواده‌ی هسته‌ای هنوز به جایی نرسیده که باقی است و زنان هم‌چنان فرودست به حساب می‌آیند، موظف به بچه‌داری، خانه‌داری، و در اشتغال هم گرفتار تبعیض می‌شوند.

آیا اتحاد شوروی، امروز امکانات واقعی نظام سوسیالیستی را عرضه می‌کند؟ آیا این تمامی ره‌آوردها است که در نظام اقتصادی نو برای زنان به دست آمده است؟ نوشته‌های لئون تروتسکی که در این کتاب کوچک گرد آمده‌اند به این پرسش‌ها پاسخی منفی می‌دهند.

تروتسکی از رهبران اصلی انقلاب روسیه و یکی از چند چهره‌ی مهمی بود که با جنبش مارکسیستی پدیدار شدند. در دهه‌های او در باره‌ی زنان و خانواده، همان مسیر فردریک انگلس در کتاب منشأ خانواده، مالیت خصوصی و دولت را ادامه می‌دهد. گفته‌ی تروتسکی در مشکلات زندگی (۱۹۱۰)، برای تغییر شرایط زندگی، باید یاد بگیریم که به آن‌ها از دریچه‌ی چشم زنان نگاه کنیم. این عالی از سنت مارکسیستی است. پس از مرگ لنین در ۱۹۲۴، تروتسکی مخالف اصلی دیوان‌سالاری ممتازی بود که، به رهبری استالین، قدرت را در اتحاد شوروی تصاحب کرد. تروتسکی در سال ۱۹۲۹ تبعید شد، اما نگاه انقلابی خود را تا دم مرگ در سال ۱۹۴۰، که مزدوران استالین سرانجام موفق شدند در مکزیکو او را

به قتل رسانند، حفظ کرد.

دو گزیده‌ی نخست محصول سال ۱۹۲۳ است که لنین در بستر مرگ بود و تروتسکی هنوز در مقام کمیسر خلق در امور جنگ خدمت می‌کرد، و انقلاب به گام‌های پایانی نخستین مرحله‌ی «قهرمانانه»ی خود نزدیک می‌شد. در آن زمان شرایط هنوز بسیار ناپایدار بود، و زنان هنوز از مواهبی برخوردار بودند. در این مقاله، تروتسکی به مسایل پیچیده‌ی مادی و فرهنگی فراوانی پرداخت که شوروی را کوشش‌های خود برای آزادسازی زنان پیش رو داشت.

گزیده‌های سوم و چهارم مربوط به سال ۱۹۴۵ است که تروتسکی از مقام نظامی خود برکنار شده و در وارسو و برلین حزب کمونیست، به رهبری او، نرم‌نرمک به مخالفت با سیاست‌های جناح استالین برمی‌خاست که روزه‌روز محافظه‌کارانه‌تر می‌شدند. سه مقاله‌ی تروتسکی در ارتباط با سومین همایش سراسری اتحادیه‌ها در حمایت از زنان و کودکان بود، که در دسامبر ۱۹۲۵ در مسکو برگزار شد.

آخرین گزیده، برگرفته از کتاب انقلابی که به آن خیانت شد، است که در ۱۹۳۶ در نروژ به نگارش درآمد، زمانی که ارتجاع استالینیستی در تمامی حوزه‌های زندگی شوروی به پیروزی رسیده بود. در این مقاله، تروتسکی موقعیت زنان و خانواده را به صورت بخشی از پدیده‌ی عمومی زوال انقلاب بررسی می‌کند.

بد نیست از دریچه‌ی مقاله‌های تروتسکی نگاهی به گذشته و تغییراتی بیاندازیم که موقعیت زنان در اتحاد شوروی از سر گذرانده است.

پیش از سال ۱۹۱۷، زنان در اصل برده‌ی شوهران خود بودند. مطابق قوانین دوران تزاری: «زن باید مطیع شوهر خود باشد که سرپرست خانواده است، با

عشق و احترام و فرمان‌برداری بی‌حدومرز در کنار او بماند و در مقام زن خانه‌دار، تمامی خواسته‌های او را برآورده سازد و رفتاری مهرآمیز داشته باشد. مطابق قوانین تزاری مرد آشکارا حق کتک زدن همسر خود را داشت. در برخی از مناطق روستایی، زنان ناگزیر به رعایت حجاب بودند و اجازه‌ی یادگیری خواندن و نوشتن را نداشتند.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۷، دولت شوروی سلسله‌ای از قوانین تازه را به تصویب رساند که برای نخستین بار، زنان را در برابر قانون با مردان برابر شمرد. موافقت با ازدواج را به ثبتی ساده در محضر کاهش دادند که باید بر اساس رضایت متقابل می‌بود. هر دو شریک می‌توانستند نام همسر را اختیار کنند یا نام خود را بگذارند. (برای نمونه، تروتسکی برای الزامات شهروندی، نام همسرش - بالیا - حذف را اختیار کرد و پسران‌شان نیز همان نام را داشتند.) مفهوم کودک نامشروع از میان رفت؛ سقط‌جنین آزاد و قانونی، از آن پس، حق همه‌ی زنان بود. با فرارسیدن سال ۱۹۲۷، ازدواج حتا نیازی به ثبت نداشت و طلاق با درخواست یکی از دو شریک، و حتا بدون اطلاع شریک دیگر، به آسانی عملی بود.

سال ۱۹۱۹، در برنامه‌ی حزب کمونیست، اسلام مذکوره:

در حال حاضر، وظیفه‌ی حزب بیش‌تر کار در - وزه - قاید و آموزش است تا تمامی اثرات نابرابری یا تعصب‌های پیشین را، به‌ویژه در میان اقشار عقب‌مانده‌ی پرولتاریا و دهقانان، از میان بردارد. حزب به برابر کردن زنی که اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌کوشد با ایجاد امکاناتی جایگزین مانند خانه‌های اشتراکی، غذاخوری‌های عمومی، رخت‌شویی‌خانه‌های مرکزی، مهدکودک و غیره، آنان را از بار سنگین وظایف منسوخ‌شده‌ی خانه‌داری رها سازد.

نخستین گام‌ها در بیرون کشیدن زنان از خانه برای مشارکت در زندگی کشور، هم‌چنین تاثیر کلی انقلاب در تضعیف تمامی آداب و رسوم عقب‌مانده، اثر مهمی بر خانواده گذاشت. نظام خانواده از بیخ و بن تکان خورد و مردم، به‌ویژه جوانان، دست به تجربه‌ی شکل‌های جوراجور زندگی اشتراکی زدند.

اما، نامه‌ی بلشویک‌ها به‌تمامی تحقق نیافت و، در دهه‌ی ۱۹۳۰، نگرش شوروی به زنان و خانواده یکسره وارونه شد. دیدگاهی رواج یافت که به جای جایگزینی خانواده، بی‌تحکیم آن بود، و بسیاری از ره‌آوردهایی که انقلاب در نخستین دهه، خود را از زنان داشت بر باد رفت. سقط‌جنین غیرقانونی شد و طلاق روزبه‌روز شرایطی شوار پیدا کرد، تاجایی که به شکل تشریفات دادگاهی پُر هزینه‌ای درآمد. روس‌ها در مسیر می‌شدند، حال آن‌که سیاست پیشین بلشویک فقط دستگیری صاحب‌خانه بود و افشای مردانی که در کار خرید روسپیان بودند، و البته عضویت در غلبانه‌ی کارآموزی به روسپیان. ساعات کار مهدکودک‌ها کاهش داده شد تا هم‌زمان با ساعات کار روزانه شود؛ و در مدرسه به دختر بچه‌ها موضوع‌های ویژه‌ای، در می‌دادند تا برای ایفای نقش مادر و همسر آماده شوند.

تروتسکی در سال ۱۹۳۸ این جریان وارونه را چنین جمع‌بندی می‌کند:

جایگاه زن نمایان‌ترین و گویاترین شاخص برای ارزیابی رژیم اجتماعی و سیاست دولت است. انقلاب اکبر پرچم خود را با ره‌سازی زنان مُزید کرده و پیشروترین قوانین تاریخ را درباره‌ی ازدواج و خانواده پدید آورد. البته نباید تصور شود که زنان شوروی بی‌درنگ به «خوش‌بختی» دست یافتند. رهایی حقیقی زنان بدون جهشی عمومی در اقتصاد و فرهنگ، بدون درهم‌شکستن واحد اقتصادی خانواده‌ی بورژوازی، بدون اقدام به اجتماعی کردن تهیه‌ی غذا و بدون آموزش قابل تصور نیست. از سوی دیگر، دیوان‌سالاری به هدایت غریزه‌ی

محافظه کارانه‌ی خود هشدار «فروپاشی» خانواده را دریافت کرده است. از این رو، مدیحه سرایی درباره‌ی شام خانوادگی و رخت شویی در خانه، یعنی، بردگی خانگی زنان، آغاز شد. از همه بدتر، دیوان سالاری قانون کیفری برای سقط جنین را احیا کرده است، که در واقع زن را به مقام چارپایان بازمی گرداند. بدین سان طبقه‌ی حاکم، در تضاد کامل با اصول کمونیسم، به ارتجاعی‌ترین و کوتاه فکرانه‌ترین همه‌ی نظام طبقاتی، یعنی خانواده‌ی خرده بورژوازی، جانی دوباره بخشیده است.^۱

پس از ترک استالین در سال ۱۹۵۳، تغییراتی صورت گرفت، از جمله بازگرداندن سه احنین‌های قانونی، اما دیدگاه اصلی که خانواده را واحدی اقتصادی می‌شمارد تاکنون باقی مانده است. به نوشته‌ی مقاله‌ای در نشریه‌ی سوویت لایف در فوریه ۱۹۶۹، درباره‌ی قانون تازه‌ی ازدواج و خانواده مصوب شورای عالی در ۱۹۶۸: «فرد اساسی تازه، مانند گذشته، می‌گوید تنها ازدواجی رسمیت دارد که ثبت قانونی شده باشد. این محدودیت برای هدف اصلی قانون خانواده‌ی شوروی، یعنی تحکیم واحد خانواده، ضروری است.

امروز در شوروی هنوز مسوولیت کامل خانه‌داری و بچه‌داری بر عهده‌ی زنان است. بخش بزرگی از کودکان پیش‌دبستانی می‌توانند به مهدکودک و کودکان برونند.^۲ تسهیلاتی مانند یخچال، هنوز تنها به حساب می‌آیند و

۱. برگرفته از نوشته‌های لئون تروتسکی (۳۸ - ۱۹۳۷)، نیویورک: پت فایند، ۱۹۷۰، (چاپ ۲۰۱۱)، صفحه‌ی ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲. ارقام مربوط به تسهیلات مهدکودک موجود در شوروی یکسان نیست. یک منبع (زنان در روسیه، نوشته‌ی سوزان جاکوبی، نیویورک، ۴ و ۱۱ آوریل ۱۹۷۰)، زنی ساکن مسکو که مدعی بود ارقام خود را از روزنامه‌های مسکو برگرفته، می‌گوید تنها ۲۵ درصد از کودکان پیش‌دبستانی به مهدکودک روزانه دسترسی دارند. منبعی دیگر (گزارش هیات آمار مرکزی شوروی درباره تحقیق برنامه‌ی توسعه اقتصادی سال ۱۹۶۹، برگرفته از سوویت نیوز، لندن، ۱۰ فوریه ۱۹۷۰)

نظام سراسری رخت‌شویی‌خانه‌های عمومی وجود ندارد؛ لباس‌ها را باید در آپارتمان‌های کوچک و شلوغ شست و آویزان کرد تا خشک شوند.

پنجاه درصد از مزدبگیران در شوروی را زنان تشکیل می‌دهند اما عموماً شغل‌های کم‌درآمد دارند و شمار آنان در جایگاه‌های سرپرستی نیز تناسبی با جمعیت آنان ندارد. برای مثال: در میان مهندسان ۳۲ درصد زن هست اما فقط ۱۲ درصدشان در مقام مدیر کارخانه خدمت می‌کنند؛ در میان آموزگاران دبستان و دبیرستان ۷۲ درصد زن هست اما فقط ۲۳ درصد مدیریت مدرسه را دارند؛ ۴۲ درصد از استادان زنان تشکیل می‌دهند اما آکادمی علوم شوروی فقط دو زن در میان ۱۰۱ عضو خود دارد. تعداد زنان پزشک در شوروی ۷۹ درصد است، که البته دلیل آن این است که پزشکان دانست که دوسوم دستمزد کارگران ماهر است و از این رو مردان علاقه‌ای به حرفه‌ی پزشکی نشان نمی‌دهند. در حوزه‌ی سیاسی، فقط سه زن در مجمع ۱۵ عضو کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست حضور دارند.

بارگشت به برداشت بورژوازی از خانواده و «رعایت» زنان در خانواده، جدا از دیگر پدیده‌هایی نبود که در شوروی رخ داد؛ بلکه بخش بود از فرآیندی که بر تمامی عرصه‌های زندگی شوروی اثر گذاشت. رشدی در امتیازات بدید آمد؛ دموکراسی به تمامی برافزاد؛ به جای انقلاب جهانی، سیاست خارجی محافظه‌کارانه‌ای بر پایه‌ی «سوسیالیسم در یک کشور» اتخاذ شد؛ مایشا مردمی برافزاد تا ارتشی منظم با طبقه‌ای از افسران ممتاز تشکیل شود؛ راه تنفس را بر هنرها بستند؛ نظامی برای پرداخت مزد بر پایه‌ی قطعه‌کاری^۱ برقرار شد؛

می‌گویند که مهد کودک برای ۷۰ درصد از کودکان شهری و اندکی کم‌تر برای کودکان روستایی وجود دارد.

۱. پرداخت مزد بر پایه‌ی هر واحد از کالای تولیدشده (مترجم فارسی)

سرکوب اقلیت‌های قومی به روال پیشین بازگشت؛ نسل جوان سرکوب شد؛ پاکسازی‌ها، در عمل، نسل بلشویک‌های بنیان‌گذار انقلاب ۱۹۱۷ را از صحنه بیرون کرد.

آن‌چه رخ داد را می‌توان «پاتک» نامید - ضدانقلابی سیاسی - پس راندن انقلاب نه به نقطه‌ی بازیابی سرمایه‌داری، بلکه به جایی که بسیاری از پس‌مانده‌های جامعه‌ی سرمایه‌داری احیا یا تحکیم شدند.

دلیل اصلی برای پیروزی ضدانقلاب، انزوای اقتصادی و سیاسی انقلاب و فقر جامعه، شوروی بود. روسیه، افزون بر عقب‌ماندگی شدید اقتصادی، با جنگ جهانی ویران شد. سپس، بهترین و آگاه‌ترین مدافعان انقلاب در جنگ داخلی روسیه کشته شدند که روسیه با هجوم بیستویک کشور سرمایه‌دار روبه‌رو شد که قصد درهم‌شکستن انقلاب را داشتند. برخی از مناطق شوروی در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۲۱ به دام خشکسالی افتاد، تا حدی که حتی مواردی از آدم‌خواری دیده شد. در آن سال‌ها در انزوا به سر برد، بدون هیچ انگیزه‌ی الهام‌بخش یا کمکی از انقلاب‌های دیگر در کشورهای ثروت‌مندتر.

تروتسکی زمینه‌ای را که فقر برای ظهور دیوان‌سالاری فراهم ساخت این‌گونه توصیف می‌کند:

اگر مغازه‌ها به اندازه‌ی کافی کالا داشته باشند، خریداران می‌توانند هر زمانی که خواستند برای خرید بیایند. کالا که به اندازه‌ی کافی باشد، خریداران باید صف بکشند؛ صف‌ها که دراز شوند، برای حفظ نظم، به پلیس نیاز می‌افتد. آغاز به قدرت رسیدن دیوان‌سالاری شوروی چنین است.^۱

۱. انقلابی که به آن خیالت شده، نیویورک: پت فایندر، ۱۹۳۷، ۱۹۷۲، صفحه‌ی ۱۲۱ (چاپ ۲۰۰۹).

این قشر، یعنی «پلیس» و مسوولان اجرایی ناظر بر توزیع کالاها، کمیاب، به سرعت گسترده شد و البته از کش‌رفتن بهترین کالاها برای خود نیز غافل نماند. بدین‌سان، دیوان‌سالاری طبقه‌ی ممتاز سر برآورد که منافعی جدا از بقیه‌ی مردم شوروی داشت. مخالفت با رشد این طبقه‌ی ممتاز، به دلیل فرسودگی انقلاب در صول جنگ‌ها و انزوای آن که یگانه دولت کارگری در جهان سرمایه‌داری بود، نتوانست کارساز شود.

فقر شدیدی که از انقلاب روسیه به ارث رسید، در زمینه‌ی آزادی زنان دو معنا داشت: نخست، سرودیت‌های واقعی در سرعتی که دولت شوروی می‌توانست در مسیر جایگزینی‌سازی برای نظام خانواده (مهدکودک، رخت‌شویی‌خانه، رستوران و غیره) گام بردارد؛ و دوم، کمک به ظهور دیوان‌سالاری که به گفته‌ی کیت ییلد: مارکسیسم را وارونه ساخت. دیوان‌سالاری، خانواده را نهادی «سرمایه‌داری» وانمود کرد و از ماهیت اقتدارطلب و سرکوبگر آن هم‌چون ستونی برای حاکمیت خود بهره گرفت.

در گزیده‌های این کتاب کوچک، پافشاری بر سستی بر نیاز به گسترش فرهنگ و ارتقای شخصیت انسانی، از همین عقب‌ماندگی‌های فنی و اقتصادی سرچشمه گرفته است. اشاره‌های او به تراژدی خانه‌های زخم‌سیده مشکل الکلیسم در زهرآگین ساختن روابط انسانی، و شمار فراوان کودکان بی‌خانمان و روسپیان، همگی بر بی‌رحم شدن مردم به دلیل نیاز اقتصادی تأکید می‌کنند. زنان از ستم‌دیده‌ترین قشرهای جامعه بودند و به همین دلیل نگرش‌های خرافاتی و سنتی در میان آنان رایج بود. برای مثال، مهدکودک‌ها که آغاز به کار کردند، با رفتار خصمانه و بی‌اعتمادی بسیاری از زنان روستاها و حتا شهرها مواجه شدند.